

مجموعه شعر

جامه دران

محمد حسین کریمی



سرشناسه : کریمی، محمدحسین، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور : جامه دران / محمدحسین کریمی.
مشخصات نشر : تهران: راویس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۱۲۲ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
فروست : شعر؛ ۱. شعر معاصر ما؛ ۱.
شابک : 978-600-95083-8-9
مجموعت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- 20th century
رده بندی شگره : ۱۳۹۵، ۹۴۳ج۲/۸۳۵۸ PIR
رده بندی دیویی : ۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۸۴۰۱۰۰۰



عنوان کتاب : جامه دران
پدیدآورنده : محمد حسین کریمی
ویراستار : شاداب منوچهری
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۰۸۳-۸-۹
ناشر : انتشارات راویس
چاپ و صحافی : چاپ کهن
نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۵
تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
بها : ۹۰/۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر این اثر برای نشر راویس محفوظ است
هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

فهرست عناوین

۱۳.....	شگفتی
۱۵.....	حکایت
۱۷.....	سرای حاتم
۲۰.....	استاد
۲۲.....	عجز مدح
۲۴.....	تشنه حضور
۲۶.....	نقش لیلی
۲۸.....	تحریر عشق
۳۰.....	حکایت
۳۲.....	خجل
۳۴.....	فراق یار
۳۶.....	گدای شاه
۳۸.....	ریای زاهد
۴۰.....	پرده‌دار عشق
۴۲.....	بهار دل

۴۴.....	ظاهر و باطن
۴۶.....	کمال عدل
۴۸.....	عید اکبر
۵۰.....	اسیر آه
۵۲.....	انایت و اسمیت
۵۴.....	تین و سر
۵۶.....	حامد و بود
۵۸.....	عطش
۶۰.....	شاه صاحب وفا
۶۲.....	کور در گلزار
۶۴.....	همه او
۶۶.....	جویای راه
۶۸.....	حکایت
۷۰.....	شکر دوست
۷۲.....	انتظار
۷۴.....	عاشق آواره
۷۶.....	ماه عشق
۷۸.....	درمان من
۸۰.....	جلال حرم

۸۲.....	طنزی برای تخلص
۸۳.....	معلم عشق
۸۵.....	ظالم و مظلوم
۸۷.....	طنز دانشگاه
۸۹.....	کرم ز هیچ
۹۱.....	محرم اسرا
۹۲.....	عکس قاب
۹۴.....	هجر یوسف
۹۶.....	خزان دل
۹۸.....	خسته
۹۹.....	جام شراب
۱۰۱.....	آتش عشق
۱۰۳.....	چشم بی نور
۱۰۵.....	آب و سراب
۱۰۷.....	نور خدا
۱۰۹.....	دو روز دنیا
۱۱۲.....	شاه گمان
۱۱۴.....	جامه دران
۱۱۶.....	دلتنگی

۱۱۸.....هنگامهٔ ماهور

۱۲۰.....امید سحر

۱۲۱.....سنگ طلب

۱۲۲.....تک بیتی

www.ketab.ir

پیش گفتار

در صبحگاه چهارم در سال ۱۳۸۸ در شهر تهران متولد شدم. چندی نگذشت که توانستم از چهار دست و پا به روی دو پا بایستم و خود را اینور و آنور برسانم. از هنگامی که به یاد دارم، دیدن کتابخانه بزرگی که در حال و پذیرایی خانه ما بود برایم لذت بیشماری داشت. به طوری که بیشتر اوقات محل بازیهای کودکان من آنجا بود. کم کم به بلند شدن و رفتن به روی پنجه، دستم به دستگیره کتابخانه رسید و در خفا به خود برأت و جسارت باز کردن در کتابخانه و برداشتن برخی از کتابها را دادم. همیشه سوز سواد خواندن نداشتم اما رنگ جلد و عکسهای داخل کتابها برایم جذاب بود و کارم شده بود تورق کتاب و دیدن تصاویر. حال بماند برخی رفتارها، همچون آنکه در آن سنین یک روز کتاب سردار جنگل نوشته ابراهیم فخرایی را ورق می زدم که دیدم بیشتر افراد دارای ریش و سبیل بودند و برای جای تعجب بود که چرا برخی فاقد محاسن هستند. از این رو در اقدامی خیرخواهانه خودنویس پدرم را برداشتم (با خودنویس احساس فرهیختگی بیشتری به من دست می داد) و با احساسی غرورآمیز برای تک تک آنها سبیل و سپس ریش

کشیدم!... بگذریم، خلاصه اینکه تفریحم، دیدن و ورق زدن کتابها بود تا در گذر زمان و با آموختن زبان شیرین فارسی، کتابها در ذهنم دسته‌بندی دیگری به غیر از رنگ جلد و عکس پیدا کرد. هر چه سن بالاتر می‌رفت گرایشم به کتابهای قفسه ادبی بیشتر می‌شد. سخن را به اطلاله نکشم غرض اینکه شنایی با بزرگان ادب کهن و معاصر میلم را به شعر و ادب پارسی نزایش داد و هر از چند گاهی، نوشتاری بر کاغذی می‌آوردم تا آنکه در دوران دبیرستان با تشویق معلم ادبیات چیزهایی در کلاس می‌نوشتم.

آنچه در ادب به می‌آید برخی از نوشته‌های این حقیر می‌باشد که در احوالات و ستاین مختار گفته شده و البته برخی دیگر یا به نوشتار تبدیل نشد و یا در کاغذهایی برانده بود که مفقود گردید. به هر ترتیب ذکر این موضوع لازم است که هیچگاه استعدادت را شعر و به تبع آن خود را شاعر ندانسته‌ام و صرفاً درج و تحریر این دلنوشته‌ها به جهت ثبت احوال درونی‌ام بوده است. از طرفی واضح است که نوشتارهای قدیمی‌تر اشکالهای بیشتری دارند اما آنها را بدون اصلاح و دخل و تصرف همان حال و هوا آوردم.

همواره نقد و راهنمایی صاحبان فضل و ادب راهم‌سای من خواهد بود.

محمد حسین کریمی

زمستان ۹۵